

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۴

پناهیان: مبارزه با هوای نفس، محور اصلی همه دستورات دین / باید فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که پذیرای دردها و رنج‌ها باشند / انتخاب نوع رنج؛ تنها راه پیش پای انسان / رنج خوب عامل شکوفایی

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد (حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق (ع) - جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۱:۳۰ بامداد است. در ادامه **گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در چهارمین جلسه را می‌خوانید:**

عموماً نگاه مردم به «خوب بودن، هدف خلقت و مسیر بندگی» نگاه درستی نیست

- موضوعاتی که معمولاً در جلسات و محافل معنوی مورد توجه و اهتمام قرار می‌گیرند؛ یا جزء موضوعاتی هستند که مورد غفلت هستند و نیاز به تذکر، یادآوری و موعظه دارند و یا موضوعاتی هستند که مخاطبین قبلاً از آن موضوعات آگاهی نداشته‌اند که در این صورت این جلسات، نوعی اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود. البته این صورت دوم بسیار کم پیش می‌آید.
- موضوع مورد توجه این جلسه، نه از جنس موعظه و تذکر است و نه اطلاع‌رسانی محسوب می‌شود بلکه از جنس تغییر نگرش و اصلاح فضای ذهنی است. تغییر نگرش و اصلاح فضای ذهنی، البته کار ساده‌ای نیست و غیر از اطلاع‌رسانی و موعظه است. یکی از آسیب‌هایی که جامعه خوب و در حال رشد ما امروزه با آن مواجه است، این است که نگاه اکثر مردم به زندگی و فلسفه زندگی درست نیست. نگاهشان به خوب بودن و هدف متعالی حیات انسان، درست نیست. نگاه عمومی نسبت به مسأله تربیت، مسیر عبودیت و سیر و سلوک الی‌الله، نگاه درستی نیست. لاقلاً می‌توان گفت بسیاری از نگاه‌ها در این موارد، دقیق نیستند.

بسیاری از اطلاعات پراکنده ما از معارف دین، درست است ولی در ترکیب نهایی، برداشت درستی از آن‌ها نداریم

- وقتی شما در تاریکی مطلق به اجزاء مختلف بدن یک فیل دست می‌کشید، طبیعتاً با یک نگاه جزءنگرانه حدس‌هایی در مورد آنچه لمس کرده‌اید، می‌زنید. وقتی به شکم فیل دست می‌زنید، آن را سقفی محکم می‌پندارید. وقتی پاها را لمس می‌کنید، فکر می‌کنید به ستون‌هایی محکم دست زده‌اید. وقتی به پشت فیل دست می‌زنید، تصور می‌کنید دیواری بلند است. اگر فضا روشن شود و شما هم از کمی دورتر فیل را ببینید، نگاه شما تغییر خواهد کرد و نگاهی درست از تمام فیل پیدا می‌کنید؛ نگاهی که دیگر جزئی نیست و در تاریکی هم نبوده است.
- بسیاری از اطلاعات پراکنده ما از معارف دینی، صحیح است، ولی در ترکیب نهایی برداشت درستی از آن‌ها نداریم. مثلاً نمی‌دانیم ارتباط میان این همه آیات و روایات، با یکدیگر چگونه است؟ از کجا و از کدام دستور باید شروع کرد؟ **آیا می‌توان عموم معارف دینی را در یک نخ اصلی مانند تسبیح قرار داد و سرنوشت همه را تعیین کرد؟ چگونه می‌توان نگاه درستی به مجموعه معارف دینی و پیوند بین آن‌ها، پیدا کرد؟ مهمترین فایده چنین تغییر نگاهی این است که تکلیف خودمان را تشخیص می‌دهیم.**

ما در زندگی یک تکلیف بیشتر نداریم و فقط باید مراقب یک چیز باشیم نه صدها چیز

- کسی که نگاه درستی به مجموعه معارف دینی پیدا می کند، تکلیف خودش را تشخیص می دهد و می فهمد که ما در زندگی یک تکلیف بیشتر نداریم و فقط باید یک چیز را مراقبت کنیم، نه اینکه مراقب صدها بدی و صدها خوبی باشیم. باید دید آن یک تکلیفی که در همه دستورات خوب هست، کدام است؟

- خداوند در قرآن کریم یکی از کارهای پیامبر(ص) را آموزش حکمت به بندگان خدا ذکر کرده و می فرماید: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (سوره آل عمران/۱۶۴). در مورد کتاب و حکمت شاید بت کتاب(قرآن) از بیرون می آید و از طریق وحی می رسد، ولی حکمت یک جوشش درونی است. اگر کسی حکیم شود، درک درستی از کل دین پیدا کرده است و چنانچه روایتی را هم نشنیده باشد؛ وقتی آن روایت را می شنود، تصدیق و تأییدش می کند که باید همین طور باشد که روایت می گوید و من هم چنین نگاهی داشته ام. حکیم کل این حقیقت را شهود کرده است. اگر کسی دین را این گونه دیده باشد، می تواند تصویر درستی از دین پیدا کند و آن را به دیگران هم منتقل کند.

مبارزه با هوای نفس، محور اصلی همه تکالیف و دستورات دین است/دین، برنامه مبارزه با هوای نفس است

- انسان طوری آفریده شده است که می تواند خودش را تغییر و تکامل دهد و ارزش افزوده تولید کند. بهتر شدن و ایجاد ارزش افزوده به این نیست که یک آگاهی جدید پیدا کنیم، یا عمل بیشتری انجام دهیم. **خوب شدن یا بهتر شدن به این است که به چیزهایی علاقه داشته باشیم و در نبرد بین این علاقه ها، از یک علاقه سطحی بگذریم و به علاقه های عمیق تر برسیم. خوبی را در جریان یک تغییر باید به دست آورد.**
- انسان به این دنیا آمده است تا چیزهایی را دوست باشد ولی به برخی از آن ها دست نزند و برخی از چیزهایی را که دوست دارد، نداشته باشد. در این مسیر، «علم» خدمتگذار این مبارزه است و «عمل» انسان هم وقتی ارزش دارد که در نتیجه این مبارزه باشد و دین هم برنامه مبارزه با هوای نفس است؛ یعنی برنامه مبارزه با برخی از علاقه هاست. مبارزه با هوای نفس، محور اصلی تعریف هویت انسان و فلسفه خلقت انسان است و سایر نگاه ها به فلسفه حیات و زندگی انسان را باید اصلاح کرد. در واقع مبارزه با هوای نفس محور همه تکالیف و دستورات دین است.

باید فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که پذیرای دردها و رنج ها باشند/ هر چهل روز، یک رنج و بلایی به مؤمن می رسد

- خداوند صراحتاً می فرماید: «ما انسان را در رنج و سختی آفریده ایم؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (سوره بلد/۴) معنای رنج چیست؟ رنج یعنی اتفاقی که مطابق دوست داشتنی های انسان نیست. لذا این آیه می خواهد به ما بگوید در این دنیا اتفاق هایی می افتد که مطابق میل شما نیست. این نگاه در تربیت فرزند هم نقش دارد.

• اگر کسی چنین نگاهی به حیات داشته باشد وقتی فرزندش را تربیت می‌کند، در واقع او را پذیرای رنج می‌کند و برای مرد شدن در عرصه دردها و رنج‌ها آماده‌اش می‌کند. در احادیث هم ذکر شده است که هر چهل روز یک‌بار بلایی به مؤمن می‌رسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: چهل شب بر مؤمن نمی‌گذرد، جز آنکه برایش مشکلی پیش می‌آید که او را محزون می‌کند و متذکرش می‌سازد. (المؤمن لَأَمْضَى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ يُحْزِنُهُ وَيَذَكِّرُ بِهِ؛ کافی/۲/۲۵۴)

• حضرت در جای دیگری می‌فرماید: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هر چهل روز که می‌گذرد، بلائی به او می‌رسد که این بلا یا به مال، یا به فرزندش یا به خودش می‌رسد و خدا در ازای تحمل آن بلا، به او اجر می‌دهد، و یا اینکه (اگر بلایی به او نرسد) غم و غصه‌ای که نمی‌داند از کجاست نصیبش می‌شود. (مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يُذَكَّرُ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يُصِيبُهُ بَلَاءٌ إِمَّا فِي مَالِهِ أَوْ فِي وَدَلِهِ أَوْ فِي نَفْسِهِ فَيُؤَجَّرُ عَلَيْهِ أَوْ هَمٌّ لَا يَدْرِي مِنْ أَيْنَ هُوَ؛ جامع الاخبار/ص ۱۱۴) **لذا این نگاه که تمام تلاش ما را برای بر طرف کردن درد و رنج معطوف ساخته است، نگاه اشتباهی است.**

انتخاب نوع رنج؛ تنها راه پیش پای انسان / رنج‌های خوب عامل شکوفایی ما می‌شود

• در مقابل رنج‌هایی که در دنیا وجود دارد، فقط یک کار می‌توانیم انجام دهیم و آن هم اینکه نوع رنج را خودمان انتخاب کنیم و با این انتخاب، رنج را بپذیریم و از آن استقبال کنیم. از رنج نمی‌توان فرار کرد، پس چه خوب است که خودمان به استقبال رنج و سختی‌ها برویم و با انجام تکالیف و طاعت‌ها این سختی را به جان بخریم. اگر خوب رنج ببریم و رنج‌های خوب را انتخاب کنیم، عامل شکوفایی ما می‌شود.

• در مقابل رنج‌هایی که در دنیا هست، فقط یک کار می‌توانیم انجام دهیم و آن هم اینکه نوع رنج را خودمان انتخاب کنیم و با این انتخاب، رنج را بپذیریم و از آن استقبال کنیم. ما از حکومت خدا نمی‌توانیم فرار کنیم و یکی از وجوه حکومت خدا، سنت‌های خداست و یکی از سنت‌های خدا، همین رنج است. ما در رنج خواهیم بود و در آن باقی می‌مانیم ولی می‌توانیم تلاش کنیم تا بهترین رنج‌ها را ببریم.

• به عنوان مثالی از رنج بد، اگر شما حسادت کنی در واقع رنج حسادت را پذیرفته‌ای، که این رنج انسان را مریض می‌کند. یا اگر انسان حسرت آنچه را که از دست داده بخورد، رنجی را انتخاب کرده که منشأش چیزی شبیه کفر است.

• چند رنج خوب را هم می‌توان معرفی کرد: شما محبت کرده‌ای و قدر تو را ندانسته‌اند و از این قدرشناسی رنج می‌کشی. یا کار خوبی انجام داده‌ای، ولی افتخار آن به نام دیگران ثبت شده است.

• انسان می‌تواند انتخاب کند که از حسادت کردن رنج ببرد یا از اینکه دیگران کار خوب شما را به نام خودشان ثبت کرده‌اند، رنج ببرد. کدام رنج را انتخاب می‌کنید؟ رنج دوم بهتر است، چون امکان اگر کسی آدم باشد و اهل انسانیت باشد، امکان ندارد حقش را نخورد. اگر کسی اینقدر مراقب باشد که هیچ‌وقت کسی حقش را نخورد و همیشه انرژی خودش را برای دفاع از خود و تأمین منافع خودش صرف کند، او اصلاً آدم نیست. به محض اینکه آدم خوبی بشوی، کسانی سر راهت قرار می‌گیرند که حق تو را می‌خورند. حتی آن زمانی که امام زمان (عج) در اوج اقتدار خواهند بود و غربت ائمه دیگر را ندارند، از شدت اذیتی که می‌شوند، جگرشان خون می‌شود؛ آدم خوب هیچ‌گاه از رنج مظلومیت فارغ نمی‌شود.

- کدام رنج بهتر است؟ رنج حسرت خوردن برای از دست دادن دنیا؟ یا رنج شرمندگی پیش خدا؟ دومی بهتر است. چون کسی که حسرت از دست دادن دنیا را در دل دارد، هیچ وقت نمی تواند بابت رنج از دست دادن فرصت های با خدا بودن گریه کند.
- از رنج نمی توان فرار کرد. اما اگر خوب رنج ببریم و رنج های خوب را انتخاب کنیم، این رنج عامل شکوفایی ما می شود. **اولیاء خدا مراقبت می کرده اند که حتی یک لحظه هم رنج بد به قلبشان وارد نشود و حتی یک لحظه هم از رنج خوب خالی نباشند.** امام حسین (ع) هم روز عاشورا هر قدر رنج هایش بیشتر می شد، صورت مبارکش بیشتر گل می انداخت و نورانی تر می شد...

